

## **Structural and Semantic Analysis of Sentences with Two Negative Elements in Persian**

**Maryam Arghavani\***

**Arsalan Golfam\*\* , Azita Afrashi\*\*\***

### **Abstract**

Negation is a cognitive and rational phenomena that reflected in human language in different ways. The purpose of this paper is to study the structure and semantics of different types of sentences in Persian in which there are two negative elements. Double negation and negative concord structure are two well-known types of these structures that have been extensively studied in various languages and they have also been dealt with in Persian. But in addition to these two, Persian has various structures in which two negative elements are used and have not been studied structurally and semantically. The results show that sentences containing two negative elements can be structurally classified into 11 categories and the analysis of their semantic aspects shows that interaction of two negative elements in a single sentence creates a complex semantic situation, that its analysis requires adopting a continuum-based approach to the concept of negation. In other words, although affirmative and negative concepts are introduced in linguistics under the category of polarity, these two concepts in no way are polar or binary, but they are spectral and continuous.

**Keywords:** Double Negation, Multiple Negation, Negation, Negative Polarity, Polarity.

\* PhD Candidate of Linguistics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran,  
arghavanimaryam@yahoo.com

\*\* Associate Professor of Linguistics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran  
(Corresponding Author), golfamarsalan@gmail.com

\*\*\* Associate Professor of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran,  
afrashi.a@yahoo.com

Date received: 2021/07/18, Date of acceptance: 2021/09/12



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## بررسی ساختاری و معنایی جمله‌های دارای دو عنصر منفی در زبان فارسی

مریم ارغوانی\*

ارسلان گل‌فام\*\*، آزیتا افراشی\*\*\*

### چکیده

نفی یکی از پدیده‌های شناختی و عقلانی است که در زبان بشر به صورت‌های مختلف انعکاس می‌یابد. هدف از جستار حاضر بررسی ساختاری و معنایی انواع جمله‌هایی در زبان فارسی است که در آن‌ها دو عنصر منفی وجود دارد. نفی مضاعف و ساختار توافق منفی دو نوع شناخته‌شده از این ساختارها هستند که در زبان‌های مختلف به‌طور گسترده بررسی شده‌اند و در زبان فارسی نیز به آن‌ها پرداخته شده است. اما، علاوه بر این دو، فارسی دارای ساختارهای متنوعی است که در آن‌ها دو عنصر منفی به‌کار رفته و تا به حال از لحاظ ساختاری و معنایی بررسی نشده‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش پیکره‌بنیاد، که براساس داده‌های مستخرج از شبکه اجتماعی اینستاگرام (مشمول بر ۹۲۱ جمله فارسی) انجام شده، نشان می‌دهد جملات حاوی دو عنصر منفی از لحاظ ساختاری قابل طبقه‌بندی به یازده دسته‌اند و تحلیل جنبه‌های معنایی آن‌ها نشان‌دهنده آن است که تعامل دو عنصر منفی در یک جمله واحد وضعیت معنایی پیچیده‌ای را به وجود می‌آورد که تحلیل آن مستلزم اتخاذ رویکردی پیوستاری به مفهوم نفی است. به عبارت دیگر، هرچند مفاهیم مثبت

\* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

arghavanimaryam@yahoo.com

\*\* دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

olfamarsalan@gmail.com

\*\*\* دانشیار زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران، afrashi.a@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

و منفی را در زبان‌شناسی با نام مقوله «قطبیت» مطرح می‌کنند، این دو مفهوم به‌هیچ‌وجه قطبی و صفرویک نیستند، بلکه طیفی و پیوستاری‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** قطبیت، قطبیت منفی، منفی‌سازی، نفی، نفی چندگانه، نفی مضاعف.

## ۱. مقدمه

نفی پدیده‌ای زبانی، شناختی، و عقلانی است که در تفکر انسان نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند (Lawler 2011: 554). نفی معمولاً در مقابل اثبات مطرح می‌شود و این دو مقوله به‌نوعی هم‌گزاره‌های منطقی هم‌جمله‌های زبان را به دو بخش تقسیم می‌کنند. به عقیده هورن و کیتو (Horn and Kato 2000)، برخورداری از مقوله نفی و وجود پاره‌گفتارهای منفی یکی از مشخصه‌های منحصربه‌فرد نظام ارتباطی انسان است که در بین سایر جانداران مشاهده نمی‌شود. نفی در زبان‌های بشری به‌صورت‌های مختلف تحقق می‌یابد. موضوع نفی و منفی‌سازی از مباحثی است که در حوزه‌های مختلف علمی از قبیل فلسفه، منطق، زبان‌شناسی، و روان‌شناسی همواره مورد توجه و علاقه پژوهش‌گران بوده است. نفی از لحاظ معنایی دلالت بر فقدان و نبود دارد. مثلاً، اگر زیبابودن کسی نفی شود، به این معناست که آن فرد فاقد ویژگی زیبایی است (Río Zamora 2014: 2-3). به‌نظر جاگر (Jäger 2008: 1)، نفی پدیده‌ای است که در همه زبان‌های طبیعی یافت می‌شود؛ هرچند در نحوه بیان آن در زبان‌های مختلف تفاوت‌ها و تنوع‌هایی وجود دارد.

مطالعات رده‌شناختی متعددی که درباره نفی و منفی‌سازی در زبان‌های مختلف دنیا صورت گرفته است (مانند میستامو (Miestamo 2005)) نشان می‌دهد استفاده از دو یا چند عنصر منفی در یک جمله پدیده‌ای رایج و طبیعی در بسیاری از زبان‌هاست. بنابراین، می‌توان گفت نفی چندگانه راه‌بردی پُر استفاده در زبان‌هاست که در آن بین دو یا چند عنصر منفی تعامل پیچیده‌ای می‌تواند شکل گیرد. همان‌طور که سانز آلونسو (Sanz Alonso 1996) می‌نویسد، نفی مقوله‌ای معنایی، نحوی، و صرفی است و همه سطوح جمله را تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهد. در نتیجه، پیچیدگی و تنوع حاصل از حضور و تعامل دو یا چند عنصر منفی در یک جمله می‌تواند به پیچیدگی معنایی و نحوی جمله منجر شود.

هدف از پژوهش حاضر بررسی ساختاری و معنایی انواع جمله‌هایی در زبان فارسی است که در آن‌ها دو عنصر منفی وجود دارد. دو نوع شناخته‌شده از این ساختارها عبارت‌اند از: نفی مضاعف (مانند «نباید او را نادیده گرفت») و ساختار توافق منفی

(مانند «هیچ کس نیامد») که در زبان‌های مختلف به صورت گسترده بررسی شده‌اند. بلانچت (Blanchette 2015) تفاوت بین ساختار توافق منفی و نفی مضاعف را به این صورت بیان می‌کند که در جمله‌های توافق منفی یک معنای نفی توسط دو یا چند واژه منفی بیان می‌شود، اما در نفی مضاعف وجود دو عنصر منفی به پیدایش معنای مثبت منطقی منجر می‌شود (2015 iv). علاوه بر نفی مضاعف و ساختار توافق منفی، در زبان فارسی ساختارهای متعدد و متنوعی مشاهده می‌شود که در آن‌ها دو عنصر منفی به کار رفته و تابه‌حال از لحاظ ساختاری و معنایی مورد توجه و بررسی جدی پژوهش‌گران قرار نگرفته است. پیکره داده‌های پژوهش حاضر مشتمل بر ۹۲۱ جمله نوشتاری غیررسمی فارسی است که در آن‌ها دو عنصر منفی یافت می‌شود. این جملات از پُست‌های منتشرشده روزنامه‌نگاران در شبکه اجتماعی اینستاگرام استخراج شده است.

## ۲. پیشینه پژوهش

یکی از قابل توجه‌ترین مطالعاتی که درباره نفی و عناصر منفی‌ساز در زبان فارسی انجام گرفته پژوهش کواک (۱۳۸۷) است. وی عناصر منفی زبان فارسی شامل نشان‌گر نفی، عناصر حساس به نفی، که شامل عناصر قطبی منفی و عناصر توافق منفی‌اند و افعال ذاتاً منفی، را طبقه‌بندی کرده است. وی هم‌چنین به بحث درباره نفی مضاعف پرداخته و آن را ساختاری دانسته است که در آن دو عنصر منفی یک‌دیگر را ختشی و معنای مثبت ایجاد می‌کنند. وی، به پیروی از زیلسترا (Zeijlstra 2004)، نفی مضاعف را به دو گروه نفی مضاعف محض و غیرمحض تقسیم می‌کند. تفاوت بین این دو ساخت این است که در نفی مضاعف محض دو عنصر منفی در یک بند قرار می‌گیرند؛ در حالی که در نفی مضاعف غیرمحض دو عنصر منفی در دو بند متفاوت قرار دارند.

کواک و درزی (Kwak and Darzi 2006)، با بررسی نحوی و معنایی عبارتهای حاوی «هیچ» در زبان فارسی، نشان داده‌اند که این عبارتهای را باید از عناصر توافق منفی به‌شمار آورد و نه عناصر قطبیت منفی. از نظر آن‌ها، این عبارتهای ذاتاً منفی‌اند و شاهد آن را قابلیت استفاده از این عبارتهای به‌عنوان پاسخ منفی به جملات سؤالی می‌دانند: - چی خوردی؟ - هیچی.

کواک (Kwak 2009) به تجزیه و تحلیل انواع جمله‌های منفی در زبان فارسی پرداخته است. به عقیده او، زبان‌ها غالباً یا ساختار نفی مضاعف دارند (مانند انگلیسی و کره‌ای) یا

ساختار توافق منفی (مانند ایتالیایی). زبان‌های دارای نفی مضاعف به استفاده از عناصر قطبیت منفی تمایل دارند؛ درحالی‌که زبان‌های دارای توافق منفی به استفاده از عناصر توافق منفی تمایل دارند. البته، در مواردی مشاهده می‌شود که یک زبان هم از عناصر قطبیت منفی استفاده می‌کند هم از عناصر توافق منفی (مانند یونانی و فارسی).

کواک (Kwak 2010) نشان می‌دهد که فارسی، برخلاف بسیاری از زبان‌های دنیا، برای منفی‌سازی هم از عناصر قطبیت منفی استفاده می‌کند هم از عناصر توافق منفی. عناصر قطبیت منفی دارای مشخصه [-neg] هستند؛ درحالی‌که عناصر توافق منفی مشخصه [+neg] دارند.

شقاقی (۱۳۸۱) پیش‌وندهای نفی فارسی را شامل «بی، پاد، ضد، غیر، لا، نَ و نا» دانسته و بر آن است که این پیش‌وندها برای ساختن کلمات منفی یا متضاد درجه‌پذیر یا قطبی به‌کار می‌روند. شقاقی، در اشاره‌ای کوتاه، کاربرد نفی مضاعف را صرفاً به «تأکید بیش‌تر» محدود می‌داند. وی هم‌چنین بین نفی نحوی و نفی صرفی و نیز بین نفی سازه‌ای و جمله‌ای تمایز قائل می‌شود.

آقایی (Aghai 1993) پس از بررسی الگوهای نفی در زبان فارسی چنین نتیجه می‌گیرد که فارسی در ردهٔ زبان‌های دارای نفی ساخت‌وازی قرار دارد و صورت‌های نفی معیار در این زبان شامل «نَ نَ و نه» است. منصوری (۱۳۹۰) به وجود نفی اسمی در زبان فارسی قائل است و «عدم» را اسم منفی‌ای می‌داند که در بعضی بافت‌ها برای بیان مؤدبانهٔ نفی به‌کار می‌رود، مانند جملهٔ زیر:

- پیش‌نهاد رئیس‌جمهور با عدم استقبال نمایندگان روبه‌رو شد.

از نظر منصوری (۱۳۹۰)، کاربرد «عدم» وابسته به ویژگی‌های سبکی و کاربردشناختی است و به‌منظور پرهیز از کاربرد مستقیم نشان‌گر منفی استفاده می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، جملهٔ بالا معادل «پیش‌نهاد رئیس‌جمهور با استقبال نمایندگان روبه‌رو نشد» است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، تاکنون پژوهش خاصی دربارهٔ بررسی ساختارهای حاوی دو عنصر منفی در زبان فارسی انجام نشده است. در مطالعاتی که دربارهٔ موضوع نفی و منفی‌سازی در فارسی انجام گرفته چند ساختار حاوی دو عنصر منفی، شامل نفی مضاعف و توافق منفی، مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته است (مانند کواک ۱۳۸۷؛ Kwak 2009؛ Kwak 2010)، اما به سایر ساختارهای حاوی دو عنصر منفی، که در پژوهش حاضر

شناسایی و تحلیل شده‌اند، اشاره‌ای نشده است. با توجه به این خلأ مطالعاتی، در پژوهش حاضر کوشش بر این است که طبقه‌بندی و تحلیل ساختاری و معنایی جامعی از انواع جملات حاوی دو عنصر منفی در زبان فارسی انجام گیرد.

### ۳. ملاحظات نظری

هر زبانی مجموعه‌ای از عناصر منفی مختص به خود دارد و برای استفاده از آن‌ها قواعد خاص خود را داراست (Lawler 2011: 555). در یک طبقه‌بندی بسیار کلی منفی را می‌توان مشتمل بر دو دسته منفی منفرد (یا ساده) (simple negation) و منفی چندگانه (multiple negation) دانست. وقتی که از منفی چندگانه به معنای حضور دو یا چند عنصر منفی در یک جمله سخن گفته می‌شود، اولین ساختاری که به ذهن می‌آید ساختار منفی مضاعف است. نکته کلیدی در تعریف منفی مضاعف این است که ماحصل جمله دارای دو عنصر منفی باید منفی باشد، نه مثبت؛ یعنی در عنصر منفی نباید یک‌دیگر را خشی کنند. البته، در تعریف منفی مضاعف بین پژوهش‌گران اختلاف نظر وجود دارد. ریچاردز و اشمیت (Richards and Schmidt 2010: 184) منفی مضاعف را ساختاری تعریف می‌کنند که در آن دو واژه منفی به کار رفته است. مثلاً، در انگلیسی غیراستاندارد I never seen nothing به جای I haven't seen anything به کار می‌رود که ساخت منفی مضاعف است. به اعتقاد آن‌ها، حاصل منفی مضاعف یک جمله مثبت نیست، بلکه برای تأکید به کار می‌رود. کوپیر و دیگران (De Cuypere et al. 2007) نیز منفی مضاعف را نوعی منفی چندگانه تعریف می‌کنند که در آن دو عنصر منفی ساز به کار رفته است.

زیلسترا (Zeijlstra 2004) توافق منفی را به دو گروه محض (Strict NC) و غیرمحض (Non-Strict NC) تقسیم کرده است. توافق منفی محض ساختاری است که در آن یک فاعل منفی، مانند «هیچ‌کس» یا «هیچ‌چیز» در فارسی، با یک نشان‌گر منفی روی فعل هم‌راه می‌شود. زبان فارسی، مانند روسی، جزو زبان‌های دارای توافق منفی محض قرار دارد. توافق منفی غیرمحض ساختاری است که در آن فاعل منفی نمی‌تواند با نشان‌گر منفی هم‌راه شود. لیچ (Leech 2006) توافق منفی را اصطلاحی معادل یا منفی مضاعف یا منفی چندگانه می‌داند که به ساختاری اشاره می‌کند که در آن دو یا چند واژه منفی در یک بند حضور دارد، اما معنای منفی منفرد از آن استنباط می‌شود، مانند He didn't say nothing در گونه غیراستاندارد زبان انگلیسی. از نظر لیچ (ibid.)، واژه منفی به واژه‌ای اطلاق می‌شود که

معنای یک بند یا جمله را منفی می‌کند؛ یعنی نقش آن منفی‌سازی است. مهم‌ترین واژه منفی در انگلیسی not است که گاهی «ادات منفی» نیز نامیده می‌شود. به‌جز not، واژه‌های دیگری نظیر no (صفت)، nothing، no one، nobody، none (ضمایر)، و never و nowhere (قید) نیز جزو واژه‌های منفی انگلیسی به‌شمار می‌روند. کارکرد این واژه‌ها شبیه not است. اگر بگوییم Nobody was asleep معادل این است که بگوییم Everyone was not asleep و به این معناست که Everyone was awake.

پژوهش‌گران حوزه نفي در زبان‌های مختلف دنیا طبقه‌بندی‌های متنوعی برای این مقوله ارائه داده‌اند. پاین (Payne 1985) مقوله نفي را در زبان‌های دنیا از لحاظ رده‌شناسی به چهار دسته تقسیم می‌کند: ۱. نفي صرفی (ساخت‌واژی): تک‌واژ منفی‌ساز به فعل اضافه می‌شود، مانند پیش‌وند «ن» در فارسی؛ ۲. ادات منفی‌ساز به‌صورت یک سازه مستقل ظاهر می‌شود و جمله را منفی می‌کند، مانند pas در زبان فرانسوی؛ ۳. استفاده از افعال منفی، مانند «انکارکردن» در فارسی؛ ۴. نفي اسمی، مانند استفاده از اسامی «عدم» و «فقدان» در فارسی. میستامو (Miestamo 2003) ساختار نفي معیار را در زبان‌های مختلف به دو دسته کلی متقارن و نامتقارن تقسیم می‌کند. در نفي متقارن تنها تفاوتی که بین ساختار مثبت و منفی وجود دارد حضور یک سازه منفی است، اما در نفي متقارن، علاوه‌براین، تفاوت‌های دیگری نیز وجود دارد. کواک (Kwak 2010) عناصر منفی را به‌طور کلی شامل سه دسته می‌داند: نشان‌گرهای منفی، عناصر حساس منفی (Negative Sensitive Items = NSIs)، و افعال ذاتاً منفی. عناصر حساس منفی فقط در جملات منفی مجوز حضور دارند و خود به دو طبقه تقسیم می‌شوند: عناصر قطبیت منفی و عناصر توافق منفی.

نگارندگان در این پژوهش به تحلیل جملاتی می‌پردازند که در ساختار آن‌ها دو عنصر منفی وجود دارد که، بنا به تعریف‌های بالا، ساختار نفي مضاعف و ساختار توافق منفی را نیز شامل می‌شود. تاکنون طبقه‌بندی مشخصی از این نوع ساختارها در زبان فارسی ارائه نشده و طبقه‌بندی‌های ارائه‌شده صرفاً مربوط به نفي ساده (یا تک‌عنصری) بوده است که در ادامه مهم‌ترین آن‌ها به‌اختصار ذکر می‌شود.

ماهوئیان (Mahootian 1997) نفي در زبان فارسی را به نفي جمله‌ای، نفي سازه‌ای، نفي مضاعف، نفي در جملات هم‌پایه، و نفي در بند متمم تقسیم کرده است.

۱. نفي جمله‌ای: مانند «بازی نمی‌کنم»، «حرف نزدیم».

۲. نفي سازه‌ای: مانند «بدون تو نمیرم».



بررسی ساختاری و معنایی جمله‌های دارای دو عنصر منفی ... (مریم ارغوانی و دیگران) ۴۵

۳. نفی مضاعف: مانند «هیچی نخورد»، «نادر هیچ وقت یزد نرفته».

۴. نفی در جملات هم‌پایه: مانند «نه من چینی صحبت می‌کنم نه اون‌ها».

۵. نفی در بند متمم: «می‌دونه که فردا نمی‌آم».

منصوری (۱۳۹۰)، در یک تقسیم‌بندی کلی، نفی در زبان فارسی را به دو دسته معیار و غیرمعیار تقسیم و سپس برای هریک از آن‌ها زیردسته‌هایی معرفی می‌کند:

الف) نفی معیار:

۱. نفی ساخت‌واژی (پیش‌وند «ن»): مانند «نرفتم».

۲. اسامی منفی: مانند «پیش‌نهاد رئیس‌جمهور با عدم استقبال نمایندگان روبه‌رو شد».

ب) نفی غیرمعیار:

۱. کمیت‌نمای ذاتاً منفی: مانند «هیچ‌کس نیامد».

۲. قیود ذاتاً منفی (هرگز، هیچ، نه): مانند «احمد هرگز دروغ نمی‌گوید».

۳. قیود منفی‌شده: مانند «زیاد درس می‌خوانی؟ - نه زیاد».

منصوری (۱۳۹۰) اشاره می‌کند که کمیت‌نمای ذاتاً منفی همواره با نفی معیار از نوع ساخت‌واژی هم‌راه می‌شود. وی، از طرفی دیگر، بین نفی جمله‌ای و سازه‌ای تمایز قائل می‌شود. نفی جمله‌ای در واقع همان نفی ساخت‌واژی است که جزو نفی معیار به‌شمار می‌آید.

نفی جمله‌ای: مانند «وضع این شهر مناسب نیست».

نفی سازه‌ای: مانند «وضع این شهر نامناسب است».

به عقیده رضایی و آزادمنش (۱۳۹۷)، زبان فارسی امروزی از چهار راه‌برد برای بیان مقوله نفی استفاده می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. نفی ساخت‌واژی به کمک پیش‌وند «ن»: مانند «افسوس که زمان به عقب بر نمی‌گردد».

۲. ساختار هم‌پایه «نه ... نه ...»: مانند «من نه ماشین دارم نه خونه».

۳. تک‌واژ آزاد «نه» یا «خیر»: مانند «آیا می‌توان بی تفاوت بود؟ - نه / خیر».

۴. اسامی نفی «فاقد» و «عدم»: مانند «عدم دسترسی به امکانات جاده‌ای این روستا را

مهجور نساخته است».

#### ۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر پژوهشی پیکره‌بنیاد و مبتنی بر داده‌های استخراج‌شده از متون نوشتاری منتشرشده در شبکه اجتماعی اینستاگرام است. پیکره داده‌های پژوهش مشتمل بر ۹۲۱ جمله فارسی است که در آن‌ها دو عنصر منفی یافت می‌شود. این جملات از مجله‌ای با نام چند تکه حرف استخراج شده که نویسنده آن روزنامه‌نگاری به نام علی بحرینی است و مطالب این مجله را در صفحه اینستاگرام خود با نام «alibahrainiofficial» منتشر می‌کند. این صفحه اینستاگرامی اکنون بیش از ۹۲ هزار دنبال‌کننده و بیش از ۱۳۰۰ پُست دارد. به‌منظور گردآوری داده‌ها، از شماره اول تا ۲۱۰ چند تکه حرف به‌طور کامل مطالعه شده و جملاتی که حاوی دو عنصر منفی بوده استخراج و یادداشت‌برداری شده است. این مجله غالباً دو بار در هفته در روزهای دوشنبه و جمعه منتشر می‌شود، هر شماره آن بین پنج تا ده صفحه است و در آن مطالب مختلفی درباره موضوعات گوناگون ورزشی، فرهنگی، هنری، و اجتماعی یافت می‌شود. دلیل انتخاب این مجله اینستاگرامی به‌عنوان منبع داده‌ها این بوده است که نوشته‌های منتشرشده در آن غالباً سبک غیررسمی و محاوره‌ای دارد و از کلیشه‌ها و محدودیت‌های زبان نوشتاری مطبوعات رسمی مانند روزنامه‌ها به دور است. بنابراین، زبان مورد استفاده در این نوشته‌ها به زبان روزمره فارسی‌زبانان بسیار نزدیک‌تر است.

#### ۵. تحلیل داده‌ها

در این بخش، داده‌های پژوهش تحلیل می‌شود. در این تحلیل، انواع جمله‌های حاوی دو عنصر منفی از لحاظ ساختاری طبقه‌بندی و جنبه‌های معنایی آن‌ها بررسی می‌شود. در بررسی جملات حاوی دو عنصر منفی، این قاعده کلی لحاظ شده است که برای تولید جمله منفی وجود نشان‌گر منفی الزامی است، البته به‌استثنای جملات حاوی فعل‌های ذاتاً منفی (Kwak 2010). نشان‌گر منفی در فارسی پیش‌وند *næ-* است که به‌صورت‌های *ni-*، *ne-* و *mæ-* ظاهر می‌شود. بنابراین، جمله‌هایی حاوی دو عنصر منفی قلمداد شده‌اند که فعل اصلی آن‌ها منفی باشد و، علاوه‌بر آن، یک عنصر منفی دیگر در آن‌ها وجود داشته باشد.

#### ۱.۵ ساختار نفی مضاعف

کواک (ibid.) نفی مضاعف را ساختاری می‌داند که در آن دو عنصر منفی وجود دارد که یک‌دیگر را خنثی می‌کنند و در نتیجه جمله‌ای مثبت شکل می‌گیرد، مانند «نباید او را

نادیده گرفت». این نظر وی برگرفته از این اصل منطقی است که می‌گوید نقیض نقیض یک گزاره برابر است با خود آن گزاره. این اصل را به صورت زیر بیان می‌کنند:

$$\neg(\neg p) = p$$

کواک (ibid.) ساختار توافق منفی (مانند «هیچ کس نیامد») را، به رغم دارا بودن دو عنصر منفی، ناقل مفهوم منفی می‌داند و آن را خلاف اصل منطقی بالا قلمداد می‌کند. تفاوت اساسی بین ساختار نفی مضاعف و ساختار توافق منفی در همین نکته است.

### ۱.۱.۵ ساختار [فعل وجهی منفی + نشان گر نفی]

مهم‌ترین عناصر وجهی زبان فارسی عبارت‌اند از: «باید»، «شاید»، و صیغه‌های مختلف فعل «توانستن». در بعضی موارد مشاهده می‌شود که در یک جمله هم عنصر وجهی هم فعل اصلی به صورت منفی ظاهر می‌شوند.

- او نمی‌توانست این فیلم را بازی نکند.
- نباید به خاطر مسائل حاشیه‌ای از آن‌ها حمایت نکرد (= باید از آن‌ها حکایت کرد).
- نباید باعث شود درباره بعضی گفتارهای غیرکارشناسانه‌اش حرفی نزنیم.

از آن‌جاکه حضور این دو عنصر منفی در جمله موجب خنثی شدن مفهوم منفی می‌شود و مفهوم مثبت از جمله استنباط می‌شود، باید آن را نوعی ساختار نفی مضاعف به شمار آورد. علاوه بر ساختار [فعل وجهی منفی + نشان گر نفی]، در زبان فارسی نفی مضاعف به دو صورت دیگر نیز ظاهر می‌شود: یکی [ضمیر نامعین منفی + نشان گر نفی] و دیگری [ضمیر نامعین مثبت + نشان گر نفی]. در ادامه هم‌راه با ذکر مثال‌هایی به معرفی این دو ساختار پرداخته می‌شود.

### ۲.۱.۵ ساختار [ضمیر نامعین منفی + نشان گر نفی]

«هیچ» ضمیر نامعین منفی در زبان فارسی است. اگر این ضمیر در جمله دارای فعل منفی به کار رود، ساختار نفی مضاعف شکل می‌گیرد. البته، ذکر این نکته لازم است که در این ساختار عنصر «هیچ» باید در جایگاهی غیر از فاعل باشد، زیرا اگر در جایگاه فاعل قرار بگردد، ساختار توافق منفی حاصل خواهد شد که در ادامه بحث به آن پرداخته خواهد شد.

- من هیچ (یا هیچی) ندیدم.
  - او هیچ (هیچی) نگفت.
  - آن‌ها حدود یک سال است درباره تعطیلی برنامه نود هیچ توضیح خاصی نداده‌اند.
  - به نقطه‌ای رسیده‌ایم که بررسی کم‌دی‌ها و مخاطبان آن‌ها هیچ اهمیتی ندارد.
- در دو مثال اول بالا، به‌جای ضمیر «هیچ»، می‌توان از ترکیب [هیچ + اسم] نیز استفاده کرد. مثلاً:

- من هیچ چیزی ندیدم.
  - او هیچ سخنی نگفت.
- کویپر و دیگران (De Cuypere et al. 2007) این ساختار نفی مضاعف را یکی از انواع نفی مضاعف در زبان‌های دنیا می‌دانند که ترکیبی از یک منفی‌ساز جمله‌ای و یک ضمیر یا قید نامعین منفی است. نتایج مطالعات کارل (Kahrel 1996) درباره نفی در زبان‌های مختلف نشان می‌دهد که از بین چهل نمونه از زبان‌ها، که به‌نوعی نماینده همه زبان‌های دنیا محسوب می‌شوند، در ۳۵ زبان این نوع نفی مضاعف را می‌توان یافت.

### ۳.۱.۵ ساختار [ضمیر نامعین مثبت + نشان‌گر نفی]

نوع دیگری از نفی مضاعف که در زبان فارسی کاربرد دارد از ترکیب یک نشان‌گر منفی با یک ضمیر نامعین مثبت است. به‌گفته کویپر و دیگران (De Cuypere et al. 2007)، این نوع نفی مضاعف نیز در زبان‌های دنیا رایج است.

- دیگه چیزی نیست که بخوام بهش فکر کنم.
  - چیزی نیست که بخوام ببازم.
- «چیزی» که صورت نکره «چیز» است، یک ضمیر نامعین مثبت است. این ساختار از لحاظ معنایی معادل با ساختار [قید/ ضمیر منفی + نشان‌گر نفی] است، زیرا عبارت‌هایی مانند «هیچ‌چیز» و «هیچ‌کس» را می‌توان با معادل مثبت آن‌ها، یعنی «چیزی» و «کسی»، جای‌گزین کرد:

- من هیچ چیزی ندیدم (= من چیزی ندیدم).
- هیچ‌کسی آن‌جا نبود (= کسی آن‌جا نبود).

باتوجه به شواهد بالا، به نظر می‌رسد کاربرد واژه «هیچ» در این موارد تأثیری در قطبیت جمله ندارد و فقط تاحدی درجهٔ نفی جمله را تشدید می‌کند. در مثال‌های بالا، شدت نفی در جملات حاوی «هیچ» بیش‌تر از معادل‌های داخل پرانتز آن‌هاست، به‌ویژه درحالی‌که واژه «هیچ» با تکیه ادا شود. نکتهٔ درخور توجه دربارهٔ ساختارهای «ب» و «ج» بالا این است که عناصر منفی موجود در آن‌ها یک‌دیگر را خنثی نمی‌کنند و به همین دلیل معنای نهایی حاصل از جمله منفی است. باوجود این، کوپیر و دیگران (ibid.) این ساختارها را نفی مضاعف می‌نامند. این درحالی است که از نظر عده‌ای از پژوهش‌گران (مانند Kwak 2010) در ساختار نفی مضاعف دو عنصر منفی باید الزاماً یک‌دیگر را خنثی کنند و در نتیجه معنای مثبت حاصل شود.

در پژوهش‌های اندکی که پیش‌از این دربارهٔ نفی مضاعف در زبان فارسی انجام گرفته (مانند کواک ۱۳۸۷؛ Kwak 2009) دسته‌بندی دقیق و مشخصی از این ساختارها ارائه نشده است. نگارندگان در این‌جا، براساس داده‌های پژوهش، نفی مضاعف را از لحاظ ساختاری به سه دستهٔ مشخص تقسیم کرده‌اند: [فعل وجهی منفی + نشان‌گر نفی]، [ضمیر نامعین منفی + نشان‌گر نفی]، و [ضمیر نامعین مثبت + نشان‌گر نفی]. این سه ساختار از لحاظ معنایی تفاوت مهمی با هم دارند؛ درحالی‌که در ساختار اول وجود دو عنصر منفی هم‌دیگر را خنثی می‌کنند و مفهومی مثبت حاصل می‌شود، در دو ساختار بعدی مفهوم نهایی جمله منفی خواهد بود. بنابراین، هم‌سو با دیدگاه دو کوپیر و دیگران (De Cuypere et al. 2007) و برخلاف دیدگاه کواک (Kwak 2010)، نمی‌توان گفت در نفی مضاعف دو عنصر منفی الزاماً یک‌دیگر را خنثی می‌کنند. از نظر معنایی، ساختار نفی مضاعف فارسی دارای دو معنای تخفیفی یا تشدید می‌کنند که نگارندگان در بخش ششم مقاله به آن خواهند پرداخت.

## ۲.۵ ساختار توافق منفی

مهم‌ترین عنصر توافق منفی در زبان فارسی «هیچ» است که ضمیر نامعین منفی بوده و عمدتاً در جملات منفی به‌کار می‌رود. البته، این عنصر می‌تواند با واژه‌هایی از مقولهٔ اسم یا ضمیر نیز هم‌راه شود که در این حالت نقش صفت نامعین منفی را می‌پذیرد. عبارت‌هایی از قبیل هیچ‌کس، هیچ‌چیز، هیچ‌وقت، هیچ‌گاه، و هیچ‌جا دارای ساختار [هیچ + اسم/ضمیر] هستند. عناصر توافق منفی ذاتاً منفی‌اند و از آن‌جا که فقط در جملات منفی امکان

حضور دارند، جمله دارای دو عنصر منفی خواهد بود که یکی بیان‌گر نفی است و دیگری عنصر توافق منفی. اگر «هیچ» و مشتقات آن در جایگاه فاعل جمله منفی قرار گیرند، ساختار توافق منفی حاصل می‌شود. در ذیل نمونه‌هایی از ساختار توافق منفی در زبان فارسی ارائه شده است:

- هیچ‌کس نیامد.

- در دوره زمانه ما هیچ ویروسی به اندازه آنفلانزا نمونه جدید نداشته است.

- موج‌سواری و پوپولیسیم هیچ ارتباطی با مردمی بودن ندارد.

- از جزئیات و حتی صحت آنچه گفته و نوشته شده هیچ اطلاعات خاصی ندارم.

نکته جالب‌توجه درباره ساختار توافق منفی در فارسی این است که در آن‌ها می‌توان ضمائر نامعین منفی را حذف کرد بدون آن‌که معنای جمله دست‌خوش تغییر شود، درست مانند ساختار نفی مضاعف که در بالاتر بررسی شد. در نتیجه، مثال‌های بالا را می‌توان به‌صورت زیر بازنویسی کرد:

- کسی نیامد.

- در دوره زمانه ما ویروسی به اندازه آنفلانزا نمونه جدید نداشته است.

- موج‌سواری و پوپولیسیم ارتباطی با مردمی بودن ندارد.

- از جزئیات و حتی صحت آنچه گفته و نوشته شده اطلاعات خاصی ندارم.

در این جا نیز می‌بینیم که ضمیر نامعین منفی «هیچ» و مشتقات آن می‌توانند با معادل‌های مثبت خود جای‌گزین شوند بدون آن‌که معنای جمله تغییر کند. مثال‌های زیر این موضوع را به‌خوبی نشان می‌دهند:

الف) هیچ‌کس او را نمی‌شناخت (= کسی او را نمی‌شناخت).

ب) او هیچ‌کس را نمی‌شناخت (= او کسی را نمی‌شناخت).

جمله «الف» دارای ساختار توافق منفی است و «هیچ‌کس» در جایگاه فاعل آن ظاهر شده است. اما جمله «ب» ساختار نفی مضاعف دارد، زیرا «هیچ‌کس» در جایگاه مفعول آن است. با وجود این، در هر دو جمله می‌توان «هیچ‌کس» را با عنصر مثبت «کسی» جای‌گزین کرد بدون آن‌که معنای جمله تغییر کند.

طالقانی (Taleghani 2008)، به پیروی از سنت دستور زایشی، واژه‌های منفی‌ای را که از ترکیب با «هیچ» ساخته می‌شوند عناصر قطبیت منفی (NPI) در نظر می‌گیرد. در نقطه مقابل، کوک و درزی (Kwak and Darzi 2006) واژه‌های موردنظر را جزو عناصر توافق منفی می‌دانند. انوشه (۱۳۹۶) نیز عناصری مانند «هیچ‌کس»، «هیچ‌گاه»، و «هیچ‌چیز» را ذاتاً منفی و از نوع عناصر توافق منفی دانسته است. برخلاف عناصر توافق منفی، که ذاتاً منفی‌اند، عناصر قطبیت منفی ذاتاً منفی نیستند (Kwak 2010).

### ۳.۵ ساختار [نه + فعل منفی]

اگر قید منفی «نه» در جمله دارای فعل منفی ظاهر شود، ساختار نفی دوگانه شکل می‌گیرد، مانند مثال زیر:

- رفتی؟  
- نه نرفتم.

کاربرد قید منفی «نه»، که می‌تواند با «خیر» یا «نه‌خیر» نیز جای‌گزین شود، تقویت نیروی منفی جمله است. در این‌جا مخاطب می‌توانسته است صرفاً بگوید «نرفتم»، اما با آوردن قید منفی «نه» قبل از آن مفهوم منفی «نرفتن» را تقویت و تشدید کرده است. البته، از نظر آقایی (Aghai 1993)، کلماتی مانند «نه»، «خیر»، «بله»، و «آری» قید نیستند، بلکه کلماتی هستند که خود معنای گزاره‌ای دارند و می‌توانند به‌جای جمله به‌کار روند. وی، براین اساس، دو جمله زیر را معادل یک‌دیگر می‌داند (ibid.: 43):

- خیال نکنید که من او را می‌شناسم.

- نه خیال کنید که من او را می‌شناسم.

از نظر آقایی (ibid.: 44)، «نه» هم‌چنین می‌تواند در پاسخ به جملات سؤالی به‌جای یک گزاره کامل به‌کار رود:

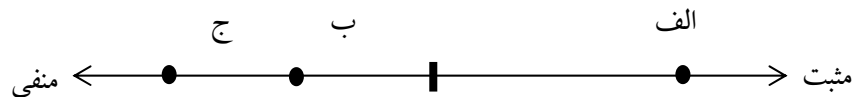
- بعضی‌ها قضیه را خیلی جدی می‌گیرند، اما من؟  
- نه / جدی نمی‌گیرم.

به‌هرحال، قید منفی «نه» مفهوم منفی فعل جمله را نه‌تنها خنثی نمی‌کند، بلکه آن را تقویت و تشدید می‌کند. در نتیجه، مفهوم سه جمله زیر را بر روی پیوستار قطبیت مثبت / منفی می‌توان به‌شکل زیر نمایش داد:

الف) تعارف دارد.

ب) تعارف ندارد.

ج) نه تعارف ندارد.



نمودار بالا نشان‌دهنده آن است که جمله «ج» از لحاظ معنایی منفی‌تر از جمله «ب» است.

#### ۴.۵ ساختار [نه ... نه + فعل منفی]

ساختار [نه الف (و) نه ب] ساختاری رایج در زبان فارسی است که به دلیل وجود عنصر منفی ساز «نه» در آن ساختاری منفی محسوب می‌شود. هرگاه این ساختار در جمله دارای فعل منفی ظاهر شود جمله حاصل از آن از نوع منفی مضاعف خواهد بود، مانند جملات زیر:

- سروش نه در انتخاب بازیگران و نه در هدایت آن‌ها به بی‌راهه نرفته است.
- حال کتاب خوب نیست، نه جسمی نه روحی.
- امیدوارم نه گرمورها و نه بازیگرها به موج مبتدل فعلی تن ندهند.
- نه رفتارش نه گفتارش به هیچ‌کس شباهت نداشت.

این نوع جملات، با این‌که حاوی چند عنصر منفی اند، به دلیل این‌که ساختار [نه الف (و) نه ب] را می‌توان به صورت مثبت بازنویسی کرد، قابل تبدیل به نفی منفردند. بازنویسی جملات بالا به صورت زیر خواهد بود:

- سروش در انتخاب بازیگران و در هدایت آن‌ها به بی‌راهه نرفته است.
- حال کتاب خوب نیست، جسمی و روحی.
- امیدوارم گرمورها و بازیگرها به موج مبتدل فعلی تن ندهند.
- رفتار و گفتارش به هیچ‌کس شباهت نداشت.

به نظر می‌رسد علت استفاده از ساختار [نه الف (و) نه ب] در این جملات برای تأکید بر مفهوم نفی است و قرار گرفتن عنصر «نه» قبل از عبارت‌های مختلف اسمی، صفتی، و قیدی بر فقدان و نبود آن‌ها تأکید می‌کند.



### ۵.۵ ساختار [نه تنها ... بلکه + فعل منفی]

در این ساختار، فعل منفی بین دو عبارت «نه تنها» و «بلکه» قرار می‌گیرد و ساختاری با دو عنصر منفی به وجود می‌آورد، مانند مثال‌های زیر:

- عکس‌ها را که دیدم نه تنها حس بدی پیدا نکردم، بلکه خوش حال هم شدم.
- نه تنها ارزش مند نیست، بلکه شاید ضدارزش هم باشد.
- توضیح من نه تنها خیلی‌ها را قانع نکرد، بلکه باعث حواشی بیش‌تری هم شد.
- اسمش در رسانه‌ها نه تنها فراموش نشده بود، بلکه به محبوبیت بیش‌تری هم دست یافت.

تحلیل مثال‌هایی از این دست نشان می‌دهد که کاربرد عبارت [نه تنها ... بلکه] هم‌راه با فعل منفی می‌تواند تأکید را بر روی فعل منفی بیش‌تر کند. مثال‌های بالا را می‌توان به شکلی بازنویسی کرد که عبارت [نه تنها ... بلکه] از آن‌ها حذف شود، اما درجه و شدت نیروی منفی جمله کاهش خواهد یافت، برای مثال:

- عکس‌ها را که دیدم حس بدی پیدا نکردم و خوش حال هم شدم.
  - ارزش مند نیست و شاید ضدارزش هم باشد.
  - توضیح من خیلی‌ها را قانع نکرد و باعث حواشی بیش‌تری هم شد.
  - اسمش در رسانه‌ها فراموش نشده بود و به محبوبیت بیش‌تری هم دست یافت.
- با مقایسه این جملات با معادل‌های بازنویسی شده آن‌ها، متوجه می‌شویم که وجود عبارت [نه تنها ... بلکه] بر شدت نیروی منفی می‌افزاید.

### ۶.۵ ساختار [قید زمانی منفی + فعل منفی]

«هرگز» و معادل‌های آن از قبیل «هیچ‌وقت» و «هیچ‌گاه» از قیده‌های زمانی منفی در زبان فارسی‌اند که می‌توانند در جمله دارای فعل منفی ظاهر شوند. در ساختار [قید زمانی منفی + فعل منفی] حضور دو عنصر نفی باعث ایجاد معنای مثبت نمی‌شود، بلکه، برعکس، معنای منفی فعل تقویت و تشدید می‌شود. مثلاً:

- این جمله تلخ را هرگز فراموش نمی‌کنم.
- دریافت نشان شوالیه را هرگز مهم ندانسته‌ام.

در جمله‌های بالا، قید منفی «هرگز» تأکید بر منفی بودن فعل دارد و در نتیجه این جملات از نوع منفی مؤکدند. علاوه بر قیده‌های زمانی منفی «هرگز» و معادل‌های آن، قیدهایی مانند «اصلاً»، «ابداً»، و «عمرأ» نیز می‌توانند در ساختار بالا حضور یابند و همراه فعل منفی ساختاری با دو عنصر منفی تشکیل دهند. این قیده‌ها نیز در بردارنده مفهوم زمان‌اند.

- عمرأ با احساسات شما بازی نمی‌کنم.

- تعداد افرادی که خریدنی نباشند اصلاً زیاد نیست.

- با فلان مجری ورزشی اصلاً و ابداً خصومت شخصی ندارم.

- اگر من جای او بودم، عمرأ به پرسپولیس بر نمی‌گشتم.

این قیده‌ها، از نظر رده‌شناختی، در گروه قیده‌های ذاتاً منفی قرار می‌گیرند (منصوری ۱۳۸۳). علاوه بر موارد بالا، موارد دیگری از قیده‌های زمانی منفی در زبان فارسی مشاهده می‌شود که از آن جمله می‌توان اشاره کرد به «تحت هیچ شرایطی»، «به هیچ عنوان»، و «به هیچ وجه». این موارد نیز از لحاظ معنایی و کاربردی شبیه به «هرگز» عمل می‌کنند، مانند

- تحت هیچ شرایطی موج‌سواری نکردم.

- به هیچ عنوان نمی‌دانم زندگی اینستاگرامی من تا کی ادامه دارد؟

- البته یادمان نرود که حال تیم ملی در سال ۱۳۹۸ به هیچ عنوان خوب نبود.

همه قیده‌های بالا و سایر قیده‌های هم‌معنی با آن‌ها، که آن‌ها را می‌توان با برچسب «قید زمانی منفی» مشخص کرد، فقط در جمله منفی جواز حضور دارند و در نتیجه جزو عناصر توافق منفی محسوب می‌شوند. حضور این قیده‌ها نقش تشدیدکننده دارد و نیروی منفی جمله را تقویت می‌کند. با مقایسه صورت‌های مثبت و منفی جملات واحد به طیفی از معانی مثبت و منفی می‌رسیم که به خوبی نشان می‌دهد مفاهیم مثبت و منفی مفاهیمی دوتایی یا صفر و یکی نیستند، بلکه روی یک پیوستار قرار می‌گیرند. برای توضیح این مطلب، چهار جمله زیر را در نظر می‌گیریم:

الف) من همیشه می‌رم (مثبت).

ب) من همیشه نمی‌رم (منفی).

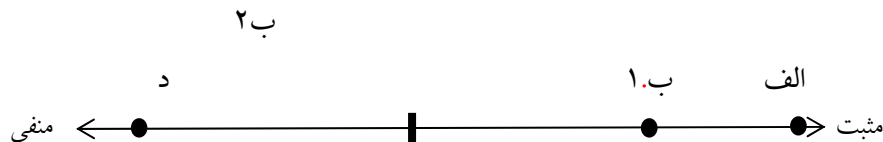
- ب ۱) بعضی وقت‌ها می‌رم (خوانش اول).

- ب ۲) هیچ وقت نمی‌رم (خوانش دوم).

ج) من هرگز نمی‌رم.

د) من هرگز نمی‌رم (منفی دوگانه).

در مثال‌های بالا جمله «ب» دارای دو خوانش متفاوت است: ۱. همیشه نمی‌رم، بعضی وقت‌ها می‌رم؛ ۲. هیچ‌وقت نمی‌رم. در این جا می‌بینیم که جمله «د»، که حاوی دو عنصر منفی است، از لحاظ معنایی با خوانش اول جمله «ب»، که فقط حاوی یک عنصر منفی است، یکسان است. به عبارت دیگر، نفی دوگانه معادل است با نفی منفرد. این درحالی است که خوانش اول این جمله (ب ۱) دارای مفهوم مثبت است و اگر آن را روی نمودار نشان دهیم، در نیمه مثبت قرار می‌گیرد. جمله «ج» غیردستوری است، زیرا عناصر مطابقت منفی در زبان فارسی نمی‌تواند با فعل مثبت همراه شود. نمودار زیر محل قرارگرفتن جمله‌های «الف»، «ب»، و «د» را روی پیوستار قطبیت مثبت/منفی نشان می‌دهد.



### ۷.۵ ساختار [پیش‌وند منفی ساز + فعل منفی]

زبان فارسی دارای پیش‌وندهای منفی ساز متعددی است که حضور آن‌ها در جایگاه پیش از اسم یا صفت موجب ایجاد عنصر منفی می‌شود. هرگاه این نوع عناصر منفی در جمله دارای فعل منفی قرار بگیرد ساختاری با دو عنصر منفی ایجاد می‌شود. وندهای منفی ساز فارسی عبارت‌اند از: «بی، پاد، ضد، غیر، لا، نَ و نا» (شقاقی ۱۳۸۱)، که می‌توانند به واژه‌هایی از مقوله اسم یا صفت اضافه شوند و اسم یا صفت منفی بسازند.

- او نالایق نیست.
- این امر غیرممکن نیست.
- البته ناامیدی در قاموس من و بسیاری از رفقایم جایی ندارد.
- این تیم هم از عوارض کودتا در فوتبال ما بی‌نصیب نمی‌ماند.

ذکر این نکته لازم است که ساختار [صفت منفی + فعل منفی] به مراتب پُربسامدتر از ساختار [اسم منفی + فعل منفی] است. کاربرد واژه‌های دارای پیش‌وند منفی ساز به

شکل‌گیری نفی واژگانی منجر می‌شود و همراه‌شدن آن‌ها با فعل منفی تلفیقی از نفی واژگانی و نفی جمله‌ای به‌وجود می‌آورد. تلفیق این دو نفی از لحاظ معنایی وضعیت پیچیده‌ای را پدید می‌آورد. مثلاً، جمله مثبت زیر را در نظر بگیرید:

- او تمام روز خوش حال بوده است.

اگر بخواهیم دقیقاً نقطه مقابل این گزاره را بیان کنیم، باید از نفی واژگانی استفاده کنیم و بگوییم:

- او تمام روز ناراحت بوده است.

این دو جمله هم از لحاظ بازه زمانی هم از لحاظ وضعیت روانی فرد موردنظر (یعنی او) درست عکس یکدیگرند. اما اگر نفی واژگانی و جمله‌ای با هم همراه شوند، جمله زیر حاصل می‌شود:

- او تمام روز ناراحت نبوده است.

این نفی دوگانه دارای پیچیدگی معنایی است و حداقل دو تعبیر دارد:

۱. او در ساعاتی از روز ناراحت بوده است، اما نه در تمام ساعات روز.

۲. او در تمام ساعات روز ناراحت نبوده است، اما خوش حال هم نبوده است.

### ۸.۵ ساختار [مصدر منفی + فعل منفی]

این ساختار را می‌توان زیرطبقه‌ای از ساختار قبلی، یعنی [پیش‌وند منفی ساز + فعل منفی]، دانست، زیرا مصدر منفی حاصل افزودن پیش‌وند منفی ساز «ن» به ابتدای مصدر فعل است. مثال‌هایی از این ساختار در زیر آمده است:

- من هنوز به ندیدن پدر بزرگ عادت نکرده‌ام.

- نخریدن علاج نیست.

- ادامه‌ندادن کار ما نیست.

دو عنصر منفی در جمله‌های بالا تاحدی یکدیگر را خنثی می‌کنند و در نتیجه این جملات را می‌توان به صورت مثبت بازنویسی کرد. مثلاً:

- من به دیدن پدر بزرگ عادت کرده‌ام.
- خریدن علاج است (یا یکی از راه‌های علاج است).
- ادامه‌دادن کار ما است.

### ۹.۵ ساختار [نشان‌گر منفی + فعل ذاتاً منفی]

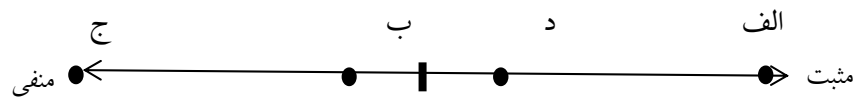
از نظر کواک (Kwak 2010)، افعال ذاتاً منفی مانند «متنفر بودن» و «انکار کردن» باعث می‌شوند بدون حضور عناصر منفی در جمله معنای نفی از آن استنباط شود، مانند:

- من این موضوع را انکار می‌کنم.
- در این جمله گرچه هیچ عنصر منفی‌ای وجود ندارد، معنای نفی از آن استنباط می‌شود. حال اگر به فعل ذاتاً منفی نشان‌گر نفی «ن» اضافه شود، ساختاری حاوی دو عنصر منفی خواهیم داشت که از لحاظ معنایی یک‌دیگر را خشی می‌کنند و نتیجه آن مثبت خواهد بود.
- من این موضوع را انکار نمی‌کنم (≈ تأیید می‌کنم).
  - پیش‌نهاد او را رد نکرد (≈ قبول کرد).
  - بعید نیست او را نخواهند (≈ محتمل است او را نخواهند).
  - انکار نمی‌کنم که نتوانستم در برابر منطق و استدلالش مقاومت کنم (تأیید می‌کنم که نتوانستم در برابر منطق و استدلالش مقاومت کنم).

اما ذکر این نکته لازم است که نیروی مثبت در دو جمله بالا به اندازه جمله مثبت معادل آن‌ها قوی نیست. به عبارت دیگر، «انکار نکردن» لزوماً به معنای «تأیید کردن» نیست و «رد نکردن» لزوماً به معنای «قبول کردن» نیست، بلکه ممکن است به مفهوم خشایی در نقطه صفر پیوستار مثبت - منفی اشاره داشته باشد. بنابراین، مفهوم جمله بالا می‌تواند این باشد که «پیش‌نهاد او را رد نکرد، اما قبول هم نکرد». به منظور تبیین دقیق‌تر این موضوع، چهار جمله زیر را در نظر بگیرید:

- الف) تأیید می‌کنم (مثبت).
- ب) تأیید نمی‌کنم (تلویحاً منفی ≈ انکار می‌کنم).
- ج) انکار می‌کنم (منفی).
- د) انکار نمی‌کنم (تلویحاً مثبت ≈ تأیید می‌کنم).

مورد «ب» صورت منفی منفرد است و از لحاظ معنایی منفی است. «تأییدنکردن» تلویحاً به معنای «انکارکردن» است و در نتیجه از لحاظ معنایی در نیمه منفی پیوستار قرار می‌گیرد. اما از لحاظ شدت نفی خفیف‌تر از جمله «ج» است. مورد «د»، که صورت منفی مضاعف دارد، تلویحاً به معنای «تأییدنکردن» است و در نتیجه در نیمه مثبت پیوستار قرار می‌گیرد هر چند شدت آن کم‌تر از «الف» است.



تعامل عناصر منفی «هیچ‌کس» و «هیچ‌چیز» با فعل‌های ذاتاً منفی در زبان فارسی مبحثی جالب و درخور توجه است. قبلاً گفتیم که این دو عنصر در جایگاه فاعل فقط با فعل منفی می‌توانند همراه شوند و حضور آن‌ها در کنار فعل مثبت باعث تولید جمله‌ای غیر دستوری می‌شود. اما در مثال‌های زیر می‌بینیم که حضور «هیچ‌کس» در جمله دارای فعل ذاتاً منفی مجاز نیست و، از این لحاظ، فعل‌های ذاتاً منفی از این لحاظ مشابه فعل‌های مثبت عمل می‌کنند.

- هیچ‌کس انکار کرد.

- هیچ‌کس انکار نکرد.

این مثال‌ها نشان می‌دهد که فعل‌های ذاتاً منفی هر چند از نظر معنایی منفی‌اند، در همراهی با عناصر توافق منفی، مانند «هیچ‌کس»، صورت آن‌ها ملاک خواهد بود و در نتیجه به صورت مثبت نمی‌توانند عناصر توافق منفی را در جایگاه فاعل خود بپذیرند.

### ۱۰.۵ ساختار [پیونددهنده منفی + فعل منفی]

منظور از پیونددهنده منفی عباراتی نظیر «نه این‌که»، «این‌طور نیست که»، «به‌نظر نرسیدن»، و «مبادا» است که، همان‌طور که روشن و باقری (۱۳۹۲) نیز اشاره کرده‌اند، جمله بعد از خود را منفی می‌کنند. حال اگر جمله بعد از این پیونددهنده‌ها دارای فعل منفی باشد، ساختاری با دو عنصر منفی خواهیم داشت:

- مبادا نتوانی زحماتش را جبران کنی.

بررسی ساختاری و معنایی جمله‌های دارای دو عنصر منفی ... (مریم ارغوانی و دیگران) ۵۹

- به نظر نمی‌رسید که در امتحان قبول نشود.
- این طور نیست که نشود با او روبه‌رو شد.
- مبادا نتوانی بهترین چیزها را برای فرزندان فراهم کنی.

دو عنصر منفی موجود در این جملات به نوعی با هم در تعارض‌اند و مفهوم هم‌دیگر را به طریقی خنثی می‌کنند. این موضوع را در معادل‌های مثبت مثال‌های بالا می‌توان مشاهده کرد:

- باید بتوانی زحماتش را جبران کنی.
- به نظر می‌رسید که در امتحان قبول شود.
- این طور است که می‌شود با او روبه‌رو شد.
- باید بتوانی بهترین چیزها را برای فرزندان فراهم کنی.

### ۱۱.۵ ساختار [عدم / فقدان + فعل منفی]

اسم‌هایی مانند «فقدان» و «عدم» نیز برای منفی‌سازی به کار می‌روند (روشن و باقری ۱۳۹۲). به این موارد می‌توان «نبود» را نیز اضافه کرد. کاربرد این اسامی، که آن‌ها را «نفی اسمی» می‌نامند (مثلاً، منصورى ۱۳۹۰)، در جملات دارای فعل منفی به شکل‌گیری جملاتی با دو عنصر منفی منجر می‌شود، مانند:

- عدم اعتنا به این پیش‌نهاد عواقب خوبی برای شرکت در بر نداشت.
- فقدان کلسیم باعث کم‌خونی نمی‌شود.
- فقدان مدیریت کارآمد نیز آن‌ها را مجبور به استعفا نکرد.
- عدم آگاهی از این موضوع او را مضطرب نکرد.

### ۶. تحلیل معنایی

تحلیل معنایی ساختارهای یادشده در بالا، که همگی دارای دو عنصر منفی‌اند، نشان می‌دهد که حاصل تعامل دو عنصر منفی در آن‌ها از لحاظ معنایی به دو دسته طبقه‌بندی‌شدنی است: معنای تخفیفی و معنای تشدید.

### ۱.۶ معنای تخفیفی

در بعضی از ساختارها عنصر منفی‌ساز دوم موجب می‌شود از شدت نیروی منفی عنصر اول کاسته شود و در نتیجه معنای جمله از لحاظ شدت نفی ضعیف‌تر از جمله دارای یک عنصر منفی باشد. این موضوع را می‌توان در ساختار [پیش‌وند منفی‌ساز + فعل منفی] به‌وضوح مشاهده کرد که در ادامه مثالی از آن بررسی می‌شود.

باتوجه به این‌که در جمله‌های بررسی‌شده در این مطالعه حداقل دو عنصر منفی وجود دارد، با در نظر گرفتن معادل مثبت هریک از آنها، در مجموع چهار ساختار متفاوت می‌توان داشت. این چهار ساختار عبارت‌اند از: مثبت، منفی (یا نفی منفرد)، مثبت با عنصر منفی، و نفی دوگانه. منظور از مثبت با عنصر منفی ساختاری است که در آن فعل اصلی جمله مثبت است، اما یک عنصر منفی در جمله وجود دارد. بررسی معنایی مثال‌های زیر این مطلب را روشن می‌کند:

الف) معلم از دانش‌آموزان راضی بود (مثبت).

ب) معلم از دانش‌آموزان راضی نبود (منفی = نفی منفرد).

ج) معلم از دانش‌آموزان ناراضی بود (مثبت با عنصر منفی).

د) معلم از دانش‌آموزان ناراضی نبود (نفی دوگانه).



### ۲.۶ معنای تشدید

بعضی اوقات عنصر منفی‌ساز دوم با هدف تقویت و تشدید مفهوم نفی به جمله اضافه می‌شود. در ساختار [قید زمانی منفی + فعل منفی] استفاده از عنصر منفی‌ساز دوم مانند «هرگز» و معادل‌های آن غالباً دارای انگیزه کاربردشناختی (pragmatic motivation) است و به‌منظور تشدید نیروی منفی جمله به‌کار می‌رود.

### ۳.۶ خشی‌سازی معنای منفی

آنچه در بدو امر انتظار می‌رود این است که وجود دو عنصر منفی در یک جمله واحد باعث خشی‌شدن مفهوم منفی آن‌ها شود و در نتیجه جمله حاصل از لحاظ معنایی معادل



بررسی ساختاری و معنایی جمله‌های دارای دو عنصر منفی ... (مریم ارغوانی و دیگران) ۶۱

جمله مثبت باشد، اما واقعیت به‌گونه دیگری است و، همان‌طور که در بالاتر گفته شد، وجود دو عنصر منفی می‌تواند مفهوم منفی فعل جمله را تخفیف دهد یا تشدید کند. البته در مواردی نیز خنثی‌سازی به‌چشم می‌خورد و دو عنصر معنای هم‌دیگر را خنثی می‌کنند، اما نه به‌طور کامل، بلکه به‌طور جزئی. مثلاً، در ساختار [عدم/فقدان + فعل منفی] دو عنصر منفی تاحدی یک‌دیگر را خنثی می‌کنند.

- عدم اعتنا به این پیش‌نهاد عواقب خوبی برای شرکت در بر نداشت.

در این جمله، عنصر منفی «عدم» و فعل منفی «نداشت» نیروی منفی یک‌دیگر را تاحدی خنثی می‌کنند و در نتیجه جمله را می‌توان به‌نوعی معادل جمله مثبت زیر دانست:

- اعتنا به این پیش‌نهاد عواقب خوبی برای شرکت در بر داشت.

با وجود این، دو جمله بالا دقیقاً معادل یک‌دیگر نیستند و نمی‌توان گفت جمله دوم استلزام معنایی جمله اول است. به‌عبارت‌دیگر، نمی‌توان گفت چون عدم اعتنا به این پیش‌نهاد عواقب خوبی برای شرکت در بر نداشت است، لزوماً اعتنا به این پیش‌نهاد عواقب خوبی برای شرکت در بر دارد. نگارندگان این نوع تعامل معنایی بین دو عنصر منفی را «خنثی‌سازی جزئی» می‌نامند که در آن یک عنصر منفی نیروی منفی عنصر دیگر را نه به‌طور کامل، بلکه به‌صورت جزئی خنثی می‌کند.

بررسی معنایی نفی دوگانه نشان می‌دهد نفی مقوله‌ای صفر و یکی نیست و نمی‌توان بین نفی و اثبات مرز مشخص و قاطعی ترسیم کرد. به‌عبارت‌دیگر، نمی‌توان گفت نفی دقیقاً نقطه مقابل اثبات است، بلکه باید گفت نفی و اثبات با یک‌دیگر تعامل و ارتباط پیچیده‌ای دارند و هر دوی آن‌ها روی یک پیوستار معنایی قرار می‌گیرند که یک سر آن کاملاً منفی و سر دیگر آن کاملاً مثبت است و جملات مثبت، منفی منفرد، منفی دوگانه، و غیره در نقاط مختلفی از این پیوستار قرار می‌گیرند. این واقعیت هم‌سو با دیدگاه زبان‌شناسی شناختی است که مقولات مفهومی را نه به‌صورت صفر و یک، بلکه به‌صورت پیوستاری می‌بیند و ماهیت آن‌ها را فازی می‌داند (Evans and Green 2006: 28-29). فازی بودن مفهوم نفی باعث می‌شود که میزان نفی یا اثبات در جملات دارای شدت و ضعف باشد؛ یعنی جمله‌ای از لحاظ مثبت یا منفی بودن قوی‌تر یا ضعیف‌تر از جمله دیگر باشد.

## ۷. نتیجه‌گیری

به گفته ازرایل (Israel 2004)، جمله منفی پیچیده‌تر و نشان‌دارتر از جمله مثبت است و این دو دارای خاستگاه‌های مستقلی‌اند. هم‌چنین، در زبان‌های طبیعی بشری، برخلاف زبان‌های ساختگی، ساختارهایی می‌توان یافت که به یکی از این دو قطب (یعنی مثبت و منفی) تعلق دارند. نگارندگان در این پژوهش با بررسی و طبقه‌بندی انواع ساختارهای حاوی دو عنصر منفی در زبان فارسی نشان دادند که مفهوم نفی (حداقل در زبان فارسی) مفهوم پیچیده‌ای است و تعامل دو عنصر منفی در یک جمله واحد بعضی اوقات وضعیت معنایی پیچیده‌ای را به وجود می‌آورد که تحلیل آن مستلزم اتخاذ رویکردی پیوستاری است. به عبارت دیگر، هرچند مفاهیم مثبت و منفی را در زبان‌شناسی تحت عنوان مقوله «قطبیت» مطرح می‌کنند، این دو مفهوم به هیچ وجه قطبی یا صفر و یک نیستند، بلکه طیفی و پیوستاری‌اند.

تحلیل معنایی جمله‌های حاوی دو عنصر منفی نشان می‌دهد تعامل دو عنصر منفی در یک جمله نتیجه‌ای دوگانه هم‌راه می‌آورد که در نقطه مقابل هم قرار دارند: یکی معنای تخفیفی و دیگری معنای تشدید. این که معنای تخفیفی در کدام جمله و معنای تشدید در کدام جمله ظاهر شود به ساختار جمله و نوع عناصر منفی در آن بستگی دارد. علاوه بر این، دو عنصر منفی گاهی یک‌دیگر را خنثی می‌کنند و در نتیجه جمله حاصل از آن‌ها در بردارنده مفهوم مثبت خواهد بود. بنابراین، ساختارهای حاوی دو عنصر منفی در زبان فارسی از لحاظ معنایی در سه دسته تشدید، تخفیفی، و خنثی طبقه‌بندی‌شدنی‌اند که روی یک پیوستار قرار می‌گیرند. در دو متتالیه این پیوستار خنثی‌ترین و شدیدترین معنای منفی قرار دارد و در نقاط میانی آن‌ها معانی با شدت نفی خفیف‌تر واقع می‌شود.

طبقه‌بندی ساختاری و معنایی جملات حاوی دو عنصر منفی، که در این پژوهش ارائه شده است، یافته‌ای نو در زمینه مطالعات مربوط به نفی و منفی‌سازی در زبان فارسی است و می‌تواند مبنای پژوهش‌های بیش‌تر در این زمینه قرار گیرد. تاجایی که نگارندگان اطلاع دارند، پیش از این طبقه‌بندی جامعی از ساختارهای حاوی دو عنصر منفی، چه به لحاظ ساختاری چه به لحاظ معنایی، در هیچ زبانی ارائه نشده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد حضور هم‌زمان دو عنصر منفی در جملات فارسی موجب تنوع و پیچیدگی ساختاری و معنایی در خور توجهی می‌شود.

در پایان لازم است اشاره شود که نگارندگان ادعا نمی‌کنند که همه ساختارهای دارای دو عنصر منفی را در زبان فارسی شناسایی و تحلیل کرده‌اند، بلکه، براساس پیکره داده‌ها،

بررسی ساختاری و معنایی جمله‌های دارای دو عنصر منفی ... (مریم ارغوانی و دیگران) ۶۳

ساختارهای موجود در آن را استخراج و بررسی کرده‌اند. بدون شک، موضوع نفی و به‌خصوص تعامل دو یا چند عنصر منفی در یک جمله واحد موضوع پیچیده و گسترده‌ای است و تحلیل جامع و همه‌جانبه آن به پژوهش‌های متعدد و گسترده‌ای نیاز دارد. نتیجه این پژوهش‌ها می‌تواند بسط یا اصلاح طبقه‌بندی ارائه‌شده در پژوهش حاضر باشد و جنبه‌های بیش‌تری از پیچیدگی و تنوع ساختاری و معنایی این نوع جملات را در زبان فارسی بر ما آشکار کند.

### کتاب‌نامه

- انوشه، مزدک (۱۳۹۶)، «جایگاه فرافکن نفی و مجوزدهی به هیچ‌واژه‌ها در فارسی برپایه نظریه صرف توزیعی»، پژوهش‌های زبانی، س ۸، ش ۱.
- رضایی، والی و مهناز آزادمنش (۱۳۹۷)، «رده‌شناسی نفی در زبان فارسی: انگاره نقشه معنایی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، س ۸، ش ۱۵.
- روشن، بلقیس و شهلا باقری (۱۳۹۲)، «آیا هر جمله مثبت فارسی یک نظیر منفی دارد؟»، ادب‌پژوهی، ش ۲۵.
- شقایق، ویدا (۱۳۸۱)، «پیش‌وند نفی در زبان فارسی»، نامه فرهنگستان، ش ۲۰.
- کواک، سهر (۱۳۸۷)، ساخت جملات منفی در زبان فارسی، رساله دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- منصوری، مهرزاد (۱۳۸۳)، «نفی در زبان فارسی از منظر رده‌شناسی زبان»، در: مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی.
- منصوری، مهرزاد (۱۳۹۰)، «نفی در زبان فارسی از منظر رده‌شناسی زبانی»:
- <https://www.academia.edu/4095966/negation-pr-word>

- Aghai, B. (1993), *Negation Patterns in Persian: A Typological Approach*, M.A Thesis, Allameh Tabatabaei University.
- Blanchette, F. (2015), *English Negative Concord, Negative Polarity, and Double Negation*, PhD Dissertation, The City University of New York.
- De Cuypere, L., J. Van der Auwera and K. Willems (2007), "Double Negation and Iconicity", in: *Insistent Images*, Elzbieta Tabakowska, Christina Ljungberg, and Olga Fischer (eds.), Amsterdam: John Benjamins.
- Evans, V. and M. Green (2006), *Cognitive Linguistics: An Introduction*, Edinburgh: Edinburgh University.

- Horn, L. and Y. Kato (2000), "Introduction: Negation and Polarity at the Millennium", in: Horn and Kato (eds.), *Studies in Negation and Polarity*, Oxford: Oxford University Press.
- Israel, M. (2004), "The Pragmatics of Polarity", in: *The Handbook of Pragmatics*, L. R. Horn and G. Ward (eds.), Malden: Blackwell.
- Jäger, A. (2008), *History of German Negation*, Amsterdam: John Benjamins.
- Kahrel, P. (1996), *Aspects of Negation*, PhD dissertation, University of Amsterdam.
- Kwak, S. (2009), "The Structure of Persian Negative Sentences", *Korean Middle East Society Journal*, vol. 30, no. 2.
- Kwak, S. (2010), "Negation in Persian", *Iranian Studies*, vol. 43, no. 5.
- Kwak, S. and A. Darzi (2006), "The Syntax and Semantics of Persian NCI, hič-phrase", in: *Proceeding of the 2nd Workshop on the Persian Language and Computer*, Tehran University.
- Lawler, J. (2011), "Negation and Negative Polarity", in: *The Cambridge Encyclopedia of the Language Sciences*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Leech, G. (2006), *A Glossary of English Grammar*, Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Mahootian, Sh. (1997), *Persian*, London and New York: Routledge.
- Miestamo, M. (2003), *Clausal Negation: A Typological Study*, PhD Dissertation, University of Helsinki.
- Miestamo, M. (2005), *Standard Negation: The Negation of Declarative Verbal Main Clauses in a Typological Perspective*, Berlin: Mouton de Gruyter.
- Payne, J. R. (1985), "Negation", in *Language Typology and Syntactic Description*, T. Shopen (ed.), vol. 1, Cambridge: Cambridge University Press.
- Richards, J. C. and R. Schmidt (2010), *Longman Dictionary of Language Teaching and Applied Linguistics*, London: Longman.
- Río Zamora, Vanesa del (2014), *Comparative Study of the Use of Double Negatives by Native English Speakers and Spanish Learners of English*, M.A Thesis, Universidad de Valladolid.
- Sanz Alonso, B. (1996), *La Negación en Español: Actuales Tendencias en la Enseñanza del Español Como Lengua Extranjera*, *Obtenido de Actas del VI Congreso Internacional de ASELE*, España: Universidad de León.
- Zeijlstra, H. H. (2004), *Sentential Negation and Negative Concord*, PhD Dissertation, University of Amsterdam, Utrecht: LOT Publications.